

بازار سرمایه و سرمایه بیمه شدگان

غلامحسین دوانی

در پی انتشار مقالاتی در زمینه صندوق های تأمین اجتماعی در ایران در شماره اخیر ماهنامه بورس، مقاله حاضر از سوی غلامحسین دوانی به ماهنامه ارسال شد. ضمن تشکر، مقاله ایشان را می خوانیم.

کلمه تأمین اجتماعی برای اولین بار در سال ۱۹۳۲ در قالب برنامه نیودیل توسط روزولت رئیس جمهوری امریکا و برای کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از بحران بزرگ ۱۹۲۹ بر سر زبان ها افتاد، اما سابقه اولین اقدامات بیمه ای به سال ۱۸۸۳ و زمان حاکمیت بیسمارک صدراعظم آهین آلمان بازمی گردد که به منظور جلوگیری از گسترش سوسیالیسم تدوین و به اجرا گذارده شد. پس از جنگ جهانی، تأمین اجتماعی مقوله ای جهانی شد و سازمان های بین المللی به ویژه سازمان بین المللی کار به گسترش جهانی آن اهتمام ورزیدند و از سال ۱۹۴۴ شعار عدالت اجتماعی شرط لازم برای صلح پایدار و تأمین اجتماعی، سرلوحه کار کشورها قرار گرفت. براین اساس تأمین اجتماعی و سازمان های بیمه ای به عنوان پیش شرط، بستر و ابزار کلیدی توسعه تلقی می شد. سابقه تأمین اجتماعی در ایران به ایجاد "صندوق احتیاط کارگران طرق و شوارع" به سال ۱۳۱۰ بازمی گردد. این صندوق در سال ۱۳۱۵ کارگران کارگاه های صنعتی دارای بیش از ده نفر را شامل می شد و در سال ۱۳۲۶ با تأسیس بنگاه رفاه اجتماعی کلیه کارگران کشور مشمول آن شدند و پس از تغییر و تحول بسیار سرانجام قانون تأمین اجتماعی در ۱۳۵۴/۳/۸ تصویب شد.

از زمان تصویب مقرری "نایب باقرخان فراش باشی سابق مجلس شورا" در تاریخ ۱۲۷۸/۲/۱ بیش از ۹۵ سال می گذرد. مصوبه آن روزگار مجلس در واقع اولین قانون در مورد بازنشستگی کارکنان دولت تلقی می شود. سابقه تأمین اجتماعی و بیمه گری همزاد تاریخ تجارت و کشتیرانی و فعالیت دریایی که با دریانوردان فنیقی محشور است، می باشد. نگاهی اجمالی به تاریخ نوین کشور از مشروطیت به بعد حکایت از تصویب قوانین ذیل در ارتباط با بازنشستگی و پس انداز دارد:

- قانون تصویب مقرری "نایب خان باقرخان فراش باشی

مجلس " ۱۲۸۷/۲/۱؛

- ایجاد صندوق احتیاط ۱۳۰۹/۱۲/۲۷؛

- قانون بیمه کارگران دولتی و غیردولتی ۱۳۲۲/۸/۲۹؛

- قانون بیمه های اجتماعی کارگران ۱۳۳۴/۴/۲۴؛

- اصلاح قانون بازنشستگی ۱۳۳۷/۴/۳؛

- صندوق بازنشستگی مستخدمین شرکت های دولتی

۱۳۵۲/۷/۲۱؛

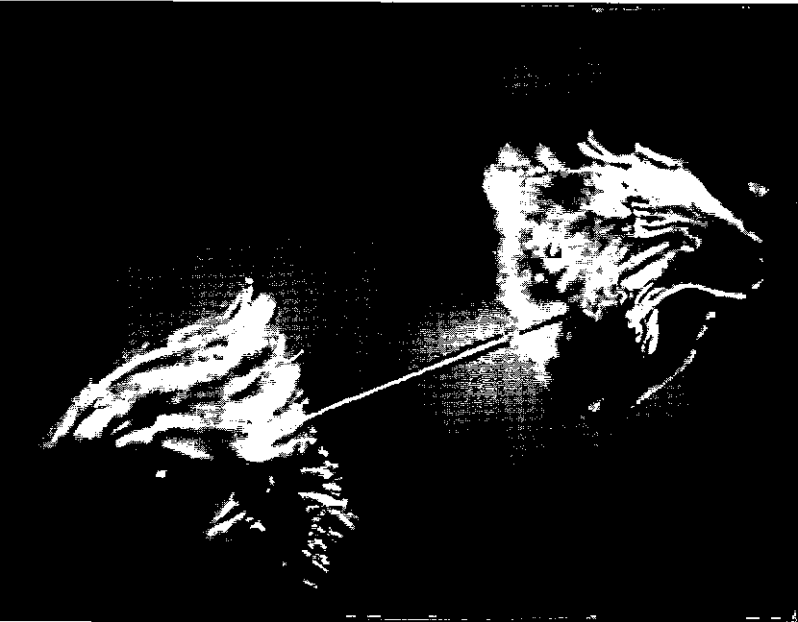
- قانون تأمین اجتماعی ۱۳۵۴/۴/۳؛

- قانون اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری ۱۳۵۴/۳/۸؛

ماده (۲) قانون تشکیل صندوق پس انداز مستخدمین کشوری

مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۷ اشعار می دارد:





”ماده ۲- وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی مکلفند همه ماهه از حقوق هر یک از مستخدمان رسمی خود تا پانزده هزار ریال دو درصد و نسبت به مازاد آن تا سی هزار سه درصد و نسبت به مازاد آن تا پنجاه هزار ریال چهار درصد بابت سهم مستخدم کسر و مابه التفاوت آن را تا شش درصد بابت سهم دولت از اعتبار خود بر آن اضافه کنند و به حساب صندوق واريز نمایند.

تبصره ۳- نرخ بهره متعلق به وجوه پس انداز اعم از سهم مستخدم و سهم دولت به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و از طرف هیأت وزیران تعیین خواهد شد.

از سوی دیگر به موجب ماده ۳ و ۴ اساسنامه مصوب مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۲ هیأت وزیران اساسنامه سازمان بازنشستگی کشوری عبارتند از:

”ماده ۳- سازمان اداره امور صندوق بازنشستگی مستخدمان دستگاه های زیر را با رعایت مقررات استخدامی مربوط عهده دار است:

الف - مستخدمان مشمول مقررات بازنشستگی کشوری

ب - مستخدمان شرکت های دولتی موضوع ماده (۳۵) قانون مقررات استخدامی شرکت های دولتی.

ج - مستخدمان موضوع تبصره (۳) ماده (۷۰) قانون استخدام کشوری.

د - مستخدمان شهرداری ها موضوع تبصره (۴) ماده (۷۰) قانون استخدام کشوری

ماده ۴- استفاده و بهره برداری از وجوه صندوق به منظور اقدامات رفاهی بازنشستگان و همچنین هر گونه فعالیت از جمله فعالیت های اقتصادی و بازرگانی و به هر شکل بر طبق آئین نامه یا بودجه سالیانه ای که به تصویب شورای سازمان می رسد خواهد بود.

از طرف دیگر ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی اشعار می دارد:

”ماده ۲۸- منابع درآمد سازمان به شرح زیر می باشد:

۱- حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن به عهده بیمه شده و هجده درصد به عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تأمین خواهد شد.

۲- درآمد حاصل از وجوه ذخایر و اموال سازمان.

۳- وجوه حاصل از خسارات و جریمه های نقدی مقرر در این قانون.

۴- کمک ها و هدایا.

تبصره ۱- از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزد یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش می یابد.

تبصره ۲- دولت مکلف است حق بیمه سهم خود را به طور یکجا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به سازمان پرداخت کند.

تبصره ۳- سازمان باید حداقل هر سه سال یک بار امور مالی خود را به اصول محاسبات احتمالی تطبیق و مراتب را به

شورای عالی گزارش دهد.

ماده ۲۹- نه درصد از مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه های ناشی از موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۱۳ این قانون تخصیص می یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت.

صندوق های بازنشستگی که در انواع و اشکال مختلف در جهان پیشرفته وجود دارند، از جمله سرمایه گذاران نهادی و بازیگران عمده بازارهای مالی محسوب می شوند و از ارکان توسعه اقتصادی و امنیت جامعه کاز و تولید به شمار می روند. زیرا صندوق های بازنشستگی و تأمین اجتماعی به اقتصاد کشور به طور کلی سود می رسانند و مشارکت بازیگران نهادی را در بازار سرمایه افزایش می دهند و بازارهای مالی محلی را از ورود سرمایه خارجی کم نیاز می نمایند. در واقع چنانچه آتیه نیروی کار روشن نباشد بازدهی و کارایی آن به شدت کاهش خواهد یافت لذا در جهان پیشرفته که موضوع سرمایه های انسانی به عنوان ثروت اصلی جامعه تلقی می شود، حضور این صندوق ها پررنگ و قدرت اقتصادی آنها به دلیل انباشت فوق العاده پس انداز بلامنازع است. در ایران مهم ترین صندوق های پس انداز و بازنشستگی عبارتند از: صندوق تأمین اجتماعی، صندوق پس انداز و بازنشستگی کارکنان دولت، صندوق معذوریت جهاد، صندوق پس انداز کارکنان فولاد و ذوب آهن، صندوق پس انداز و بازنشستگی کارکنان وزارت نفت.

مأموریت این صندوقها جمع آوری بخشی از مزد و حقوق کارکنان تابع آنها و حفظ و ارتقاء این وجوه به منظور بازپرداخت تعهدات آتی این صندوق ها در قبال بازنشستگی، از کارافتادگی، مستمری و درمان بیمه شدگان است.

قواعد کلی حاکم بر سرمایه گذاری صندوق های مذکور همان قوانین مؤسسات اعتباری یعنی: ۱- امنیت، ۲- سوددهی و ۳- قابلیت نقدینگی هستند، هر چند عامل دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد که همان کارایی اجتماعی و اقتصادی است. این

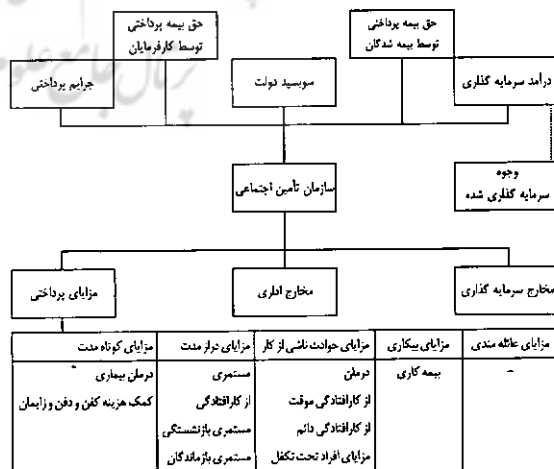


ضرورت که ذخایر باید به طور اطمینان بخشی سرمایه گذاری شوند علاوه بر اینکه نایستی جنبه صوری (حفظ وجوه سرمایه گذاری شده) داشته باشد بلکه این اقدام باید به گونه ای صورت پذیرد که به حفظ ارزش واقعی آن (قدرت خرید سرمایه گذاری ها) منتهی گردد.

سود حاصله از سرمایه گذاری ها مخصوصاً در رابطه با سرمایه گذاری های ذخایر که از محل حق بیمه های پرداختی بابت مستمری های بلند مدت جمع آوری می گردد بسیار مهم است. نرخ خالص بهره ها بر روی این سرمایه گذاری ها باید حداقل برابر نرخ بهره پیش بینی شده بر اساس محاسبات آکواری در هنگام تعیین نرخ های بیمه باشد.

ضرورت قابلیت نقدینگی مستقیماً بستگی به میزان وجه نقد مورد نیاز در برنامه های درآمد و هزینه طرح دارد. حق بیمه هایی که بر اساس سیستم مالی "توازن هزینه با درآمد" از بابت تأمین مزایای کوتاه مدت دریافت شده اند و همچنین ذخایر احتیاطی مربوط به آن نباید در زمینه هایی با سررسید یک یا دو سال سرمایه گذاری شوند. ذخایر مربوط به تأمین هزینه مزایای بلندمدت (مستمری ها) که از طریق سیستم "حق بیمه درجه بندی شده" و یا سیستم "حق بیمه متوسط" تأمین مالی گردیده اند می توانند در زمینه هایی که سریعاً قابل نقد شدن نیستند از جمله اوراق ———— عرضه طولی المدت با زمان سررسید ۵ سال یا بیشتر سرمایه گذاری شوند. بنابراین اندوخته های تأمین اجتماعی باید تا حد امکان در راستای ارتقای سطح کیفیت زندگی مردم کشور به کار گرفته شوند. این هدف تنها زمانی تحقق می یابد که به عنوان نمونه، ذخائر به منظور افزایش امکانات درمانی و آموزشی به صورت وام های تضمینی طولی المدت به دولت واگذار شده و یا در بانک های توسعه پس انداز شوند که آنها نیز به سهم خود در واحدهای تولیدی که ایجاد اشتغال می کنند و یا مؤسساتی که خانه سازی برای عموم را توسعه می دهند سرمایه گذاری گردد.

نمودار گردش وجوه نقد در یک صندوق بازنشستگی



متأسفانه از دیرباز در کشور ما دولت در ایفای تعهدات خود کوتاهی کرده است به طوری که حق السهم تعهدات دولت چه در صندوق تأمین اجتماعی و چه در صندوق پس انداز بازنشستگی کارکنان دولت و یا سایر صندوق های بازنشستگی طی مدت سی سال گذشته به ارقام نجومی نزدیک شده است. از سال ۱۳۷۳ بر اثر تلاش مدیریت وقت صندوق تأمین اجتماعی دولت ناچار به تدوین تبصره ای خاص در قانون بودجه سالانه به منظور بازپرداخت بخشی از دیون خود به این صندوق ها شد بدین طریق که همه ساله بخشی از دیون دولت به این صندوق ها از سهم و اگذاری دارایی های دولت در شرکت های دولتی (عمدتاً سهام شرکتهای دولتی) تأدیه می گردد. این راهکار اگر چه مطلوب صندوق ها نمی باشد اما از آنجا که دولت ها عموماً در صدد گریز از تعهدات خود بر می آیند به تنها راهکار عملی و امکانپذیر تبدیل شده است. مثلاً در دو ساله اخیر صندوق ها مطرح می کنند در شرایطی که دولت همه دیون خود را به مجموعه بانکی کشور به صورت ارزی تأدیه کرده چرا دولت بخشی از تعهدات خود را به صندوق های تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری را با ارز تأمین نمی کند زیرا این صندوق ها دارای بنگاه های اقتصادی متعددی هستند که می توانند جهت تأمین مواد اولیه آنها از این ارز استفاده کنند. متأسفانه بخش دولتی چندان رغبتی به این پیشنهاد عقلایی نشان نداد و کماکان موضوع واگذاری اموال و سهام دولتی در دستور کار قرار دارد.

آنچه مسلم است وجوه این صندوق ها به بیمه شدگان آنها

در واقع تعهدات صندوق های پس انداز و بازنشستگی آن چنان است که عموماً به وسیله تصویب قوانین خاص دولت در صدد حمایت از سرمایه گذاری های این صندوق ها بر می آیند.

بازنشتستگی پیش از موعد) و ورودی های جدید آن یک تناسب آماری عقلایی برقرار باشد. جدول ذیل آخرین وضعیت دو صندوق عمده بیمه گر کشور را نشان می دهد.

شرح	تعداد بیمه شده	مستمری بگير
صندوق تأمین اجتماعی	۶,۲۵۰,۰۰۰	۸۵۰,۰۰۰
صندوق بازنشستگی کشوری	۷,۸۰۰,۰۰۰	۵۸۱,۰۰۰
سایر صندوقها	۲,۶۰۰,۰۰۰	۱۱۰,۰۰۰ برآوردی

با فرض اینکه شروع سابقه کار جلدی کارکنان دولت از سال ۱۳۵۰ و بیمه شدگان تأمین اجتماعی از سال ۱۳۵۴ عملاً از سال ۸۵-۱۳۸۳ شاهد ریزش بسیاری از بیمه گذاران صندوق ها (بالای سی سال سابقه کار) خواهیم بود که تعداد آنها بسیار قابل ملاحظه می باشد. این امر بیانگر آن است که موضوع مشارکت جامعه فعال کار در صندوق های پس انداز و تأمین اجتماعی بسیار مهم است. یعنی با وجودی که میانگین نرخ مشارکت جامعه با توجه به ظرفیت جامعه باید بیش از ۴۰ درصد باشد متأسفانه در بهترین شرایط نرخ معادل ۲۶ الی ۲۷ درصد بوده، یعنی عملاً صندوق های مذکور از ۱۴ درصد میانگین نرخ مشارکت به عنوان ورودی های صندوق محروم بوده اند. از طرف دیگر سیر تدوین مقررات و مزد نیز به طریقی بوده که سیاسی کاری دولتمردان همه ساله باعث کاهش ورودی های صندوق با قیمت ثابت سال قبل بوده اند در حالی که تعهدات آنها در سنوات آتی بسیار پر حجم خواهد بود. نکته حائز اهمیت و شایان توجه ای که صندوق ها را با انفجار و آسیب پذیری اساسی مواجه می سازد از بین رفتن تعادل میان کسانی که حق بیمه پرداخت می کنند و کسانی که مستمری دریافت می دارند است. گفته می شود در سال ۱۳۵۷ به ازای هر بیست نفر بیمه شده صرفاً یک نفر مستمری بگیر وجود داشته در حالی که در سال ۱۳۸۲ این نسبت در صندوق تأمین اجتماعی بین ۷ تا ۸ و در صندوق بازنشستگی کشوری ۲/۵ است. یعنی بازای هر ۲/۵ نفری که به صندوق بازنشستگی کشوری بیمه پرداخت می کنند یک نفر مستمری بگیر وجود دارند که این بالاترین نرخ بحران است. حال با این وصف صندوق ها جز از طریق افزایش سرمایه گذاری ها و دست یابی به نرخ بازدهی بیش از نرخ تورم نمی توانند در مقابل ریزش بهمن بازنشستگی ایستادگی کنند.

مطالعه و بررسی اجمالی آمارهای صندوق های پس انداز در جهان نشان می دهد که ترکیب سرمایه گذاری های این صندوق ها به طور عمده در بازار سرمایه (سهام اوراق قرضه، اوراق بهادار، معاملات نفتی، مؤسسات مالی اعتباری، مؤسسات بیمه ای، املاک و ساختمان، بانک های پس انداز و ...) به کار گرفته شده است.

با نگاهی به جدول عملکردی صندوق بازنشستگی کشوری و شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی می توان نتیجه گرفت که فارغ از تنزیل ارزش و جوه در اختیار این صندوق ها از زمان تأسیس تا آخرین عملکرد آنها، نرخ بازدهی سرمایه گذاری این دو صندوق (با احتساب سرمایه گذاری های مستقیم سازمان تأمین

تعلق دارد و از این رو بر اساس قوانین جاری کشور این وجوه غیردولتی بوده و حتی از کان این صندوق ها باید توسط اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری و کارفرمایی با نظارت دولت تعیین شوند زیرا بخش عمده و قابل توجه این وجوه توسط بیمه شدگان و کارفرمایان تأمین می شود و دولت صرفاً درصدی از آن را تعهد می کند. از طرف دیگر با توجه به مسدود بودن راهکارهای خصوصی سازی و در جهت کوچک کردن دیوان سالاری دولتی و کاهش تعداد شرکت ها و مؤسسات دولتی راهکار واگذاری اموال و سهام دولتی به صندوق ها در شرایط فعلی به عنوان تنها گزینه ممکن از بین گزینه های متعدد دیگری است که اولاً بار دیوان سالاری دولت را کاهش می دهد و ثانیاً بار سیاسی کمتری دارد. متأسفانه هستند کسانی که با ماهیت امر بیمه گری در بخش نیروی انسانی آشنا نبوده و عموماً در شعار و گفتار سیاسی از حجم قدرت اقتصادی صندوق ها انتقاد می کنند. این افراد غافل از آن هستند که حتی در دنیای پیشرفته سرمایه داری از مهم ترین بازیگران بازارهای مالی صندوق های پس انداز و بازنشستگی هستند که به مراتب قوی تر و حجیم تر از صندوق های تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری هستند زیرا اساساً اگر قرار باشد وجوه بیمه شدگان حفظ و ارتقا یابد تا در آینده بتواند معیشت بیمه شدگان را تأمین کند مگر راهکارهای غیر از سرمایه گذاری وجود دارد؟!

در واقع تعهدات سازمان های بیمه گر آن چنان است که بایستی مرتباً ورودی های آن افزایش یابد و بین خروجی ها (بازنشستگان، مستمری بگیران و از کارافتادگان و یا مواردی نظیر



اجتماعی) توانسته بخشی از کاستی های آن را جبران نماید. اما با توجه به حجم تعهدات روزافزون این صندوق ها از یک طرف و عدم ایفای تعهدات دولت و یا سازمان های دولتی در پرداخت حق بیمه های مکسوره و به خصوص حق بیمه قرارداد طرح های عمرانی و غیر عمرانی مؤسسات دولتی (در خصوص سازمان تأمین اجتماعی) و برای رفع نگرانی آتی جامعه کار و تولید دولت، باید راهکار اساسی تری در جهت بازپرداخت بدهی های خود به این صندوق ها (به جز واگذاری سهام و اموال دولتی) در برنامه چهارم شناسایی و مورد عمل قرار دهد.

بر اساس آخرین گزارش عملکرد حسابرسی شده شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی و شرکت سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی کشور ارقام عملکردی برجسته آن به شرح ذیل بوده است:

ردیف	شرح	سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	سرمایه گذاری تأمین اجتماعی
۱	سرمایه ثبت شده (میلیارد ریال)	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰
۲	مود قبل از کسر مالیات	۲۶۶	۶۸۳
۳	سود هر سهم (خالص)	۲۶۶	۶۸۳
۴	تفاوت بهای سرمایه گذاری در بورس با قیمت تمام شده	۵۱۷	۵۹۰۴
۵	تعداد کارکنان (زبانم و موقت)	۹	۵۵
۶	داراییهای غیر جاری	۸۱۳	۲,۵۸۷
۷	داراییهای جاری	۵۸۷	۱,۳۷۵
۸	تاریخ تأسیس	۶۷/۳/۲۵	۱۳۴۵/۱/۶
۹	سود واقعی دوره (برزدهی - Capital gain)	۷۸۳	۶۵۸۸
۱۰	نرخ واقعی برزدهی به سرمایه ثبت شده	۷۸/۳	۲/۳۹

بنابر آنچه گفته شد نگرانی برخی محافل و نهادها از حضور صندوق های پس انداز و بازنشستگی در بازار سرمایه و توانمندی این قدرت ها منطقی نیست و حتی چون این صندوق ها اساساً سرمایه گذاری های خود را بر مبنای سیاست های روزمره انجام نمی دهند در واقع به یک ابزار متعادل کننده بازار تبدیل می شوند که در زمان فراز و فرود قیمت سهام به صورت خود به خودی تعادل بازار را حفظ می کنند. تعجب در این است که برخی شرکت هایی که کل سهامداران آن بیش از ده هزار نفر نیستند در برابر این صندوق ها که بالغ بر چندین میلیون عضو دارند حساسیت نشان می دهند و مدعی هستند که گویا فقط شرکت های با تعداد سهامدار یکهزار نفر خصوصی هستند.

اگر در مانی تأسیس و تشکیل صندوق های پس انداز و بازنشستگی تدقیق شود در واقع همه سرمایه آن متعلق به جامعه کار و تولید و سهم دولت بسیار ناچیز است. اما از نظر سیاسی و ابعاد نظارتی که در همه جای دنیا نیز مرسوم است. دولت ها در تعیین اعضای هیأت امانا یا هیأت مدیره این صندوق ها دخالت و نظارت دارند. در حال حاضر دو صندوق عمده آتی کارگران و کارمندان کشور (تأمین اجتماعی، پس انداز و بازنشستگی کشوری) از نظر سرمایه گذاری در ابعاد مختلف در جایگاهی قرار دارند که همراهی و همسازی آنها با بازار سرمایه کشور بسیار با اهمیت است. از این رو، حضور صندوق های پس انداز و بازنشستگی

همانند همه جهان، در بورس تهران به عنوان عامل متعادل کننده بازار الزامی است و کسانی که به هر طریق در صدد خروج صندوق ها از بازار سرمایه هستند عملاً در یک دوره کوتاه مدت بورس را به سراشی می رانند.

تا تاریخ نگارش این مقاله صندوق های پس انداز و بازنشستگی که قانونی و شناخته شده هستند عبارتند از: صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق تأمین اجتماعی، صندوق معذوریت جهاد، صندوق بازنشستگی فولاد، صندوق آینده ساز، صندوق پس انداز بازنشستگی کارکنان وزارت اطلاعات، صندوق پس انداز ثابت نیروی انتظامی (مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۹).

نگاهی به تاریخچه و آمارهای صندوق پس انداز نشان می دهد که در آمریکا به تنهایی بیش از هزار صندوق پس انداز بازنشستگی وجود دارد که مجموع دارایی های آنها در پایان سال ۲۰۰۱ میلادی بالغ بر ۱,۲۳۴ میلیارد دلار بوده است. بزرگترین آنها صندوق کارکنان دولتی کالیفرنیا با مجموع دارایی ۱۴۴ میلیارد دلار و کوچکترین آنها صندوق بازنشستگی نیوها مشایر با ۴ میلیارد دلار دارایی است. مقایسه این صندوق ها با صندوق های مشابه آنها در ایران نشان دهنده حجم نازل دارایی های بزرگترین صندوق های پس انداز بازنشستگی (تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری) در قبال تعهدات آتی آنها است. در واقع محاسبات اکتواری نشان می دهد که قدرت هر یک ریال سال ۱۳۷۰ با نرخ شاخص عمده فروشی بانک مرکزی معادل ده ریال ۸۱/۱۲/۲۹ است یعنی چنانچه سازمان های بیمه ای و پس انداز بخواهند تعهدات هر یک ریال بیمه مکسوره سال ۱۳۷۰ را در صورت های مالی خود نمایش دهند به واقع باید رقمی معادل ده ریال درج نمایند تا صورت های مالی آنها گویای تعهدات آتی آنها باشد. بدین منظور راهکاری مگر ارتقاء مداوم ذخایر صندوق های پس انداز و تأمین اجتماعی وجود ندارد زیرا در غیر این صورت این صندوق ها عملاً قدرت و توانایی ارزش و جوه خود را از دست داده و طی یک فرایند نه چندان طولانی از انجام تعهدات خود باز می مانند. این گونه محاسبات که نشان دهنده ارزش واقعی هر یک ریال بیمه مکسوره در سال n و تنزیل آن در سال (n+y) یعنی سال بازنشستگی یا دسترسی بیمه شده به جوه پس اندازی می باشد را محاسبات اکتواری می نامند. واقعیت آن است که بر اساس سوابق موجود و اطلاعات نگارنده هیچ یک از صندوق های پس انداز و بازنشستگی در ایران دارای محاسبات اکتواری واقعی و عقلایی نیستند و چون از سیستم حسابداری نقدی برای ثبت و ربط حساب ها خود استفاده می کنند ضعف و ناتوانی مالی آنها قابل رؤیت و محاسبه نیست.

بررسی اجمالی عملکرد صندوق تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری به مثابه عمده ترین صندوق های سرمایه گذاری کارکنان کشور تا دهه ۱۳۷۰ فاقد هرگونه سرمایه گذاری قابل توجه بسوده و مدیریت وقت آنها غافل از رسالت تاریخی در قبال جامعه کار و تولید بیشتر به مسائل حاشیه ای درون لاک خود فرو رفته بودند. از سوی دیگر از زمان

تأسیس این صندوق‌ها دولت‌ها همیشه از ایفای مسئولیت خود در قبال پرداخت حق‌السهم خود طفره رفته به طوری که در دهه هفتاد که موضوع بازپرداخت بدهی دولت مطرح شد اگرچه خود صندوق‌ها هم آمار درست و دقیقی نداشتند اما بحث از میلیاردها تومان بدهی دولت مطرح شد. در سال ۱۳۷۲ با ترفند خاص سازمان تأمین اجتماعی موضوع بازپرداخت دیون دولت در قالب تبصره‌های بودجه آغاز و در دو سال بعد تبصره (۱۰) قانون بودجه همه ساله عملاً به بازپرداخت دیون دولت به صندوق‌های تأمین اجتماعی بازنشستگی کشوری و آستان قدس تخصیص یافت. اگرچه تا کنون اقدامات خاصی هم از طرف دولت در قبال بازپرداخت دیون خود به این دو صندوق سراسری کشوری به عمل آمده اما کاهش شدید ارزش پول، تغییر ۱۲۰ برابری نرخ ارز (۸۴۰۰=۷۰×۱۲۰)، فقدان سرمایه‌گذاری‌های اساسی تا قبل از دهه ۷۰ و همه و همه باعث ویرانگری بخش عظیمی از سرمایه‌های جامعه کار و تولید کشور شده است. موضوع قابل توجه در واگذاری اموال و دارایی‌های دولتی در قبال مطالبات صندوق‌ها آن است که دولت اموال و دارایی‌های مذکور را به بالاترین قیمت ممکن (نرخ ارز شناور ۸۴۰۰ ریال) محاسبه و تهاتر کند در حالی که بدهی‌های دولت به صندوق‌ها سنواتی و حداقل از سال ۱۳۵۵ به بعد است یعنی چنانچه بخواهیم واقع بینانه قضاوت کنیم اگر قرار باشد اموال و دارایی‌های دولتی با نرخ شاخص عمده‌فروشی بانک مرکزی تعدیل و در قبال مطالبات صندوق‌ها تهاتر شوند شرعاً و قانوناً باید دیون سنواتی دولت هم با همین روش تنزیل و تعدیل شود تا حقوق جامعه کار و تولید کشور ضایع نگردد. زیرا دولت طی سنوات ۷۰-۱۳۵۸ عملاً دو گونه

ذخایر این صندوق‌ها را مورد تعرض قرار داده بود؛ از یک طرف تعهدات خود را پرداخت نمی‌کرد و صندوق‌ها با مشکل نقدینگی جهت سرمایه‌گذاری مواجه بودند و از طرف دیگر با تصویب مصوبات شورای پول و اعتبار سپرده‌های این دو صندوق مشمول سود و کارمزد بخش خصوصی نمی‌شد و حداکثر سودی معادل ۲/۵ تا ۶ درصد بوده که این رقم بسیار ناچیز و با افت شدید ذخایر سپرده این صندوق‌ها همراه بوده است. چنانچه واقعاً بخواهیم ارزش واقعی فعلی تعهدات آتی را ارزیابی کنیم با توجه به قدمت صندوق‌ها باید برای هر یک ریال دریافتی در هر سال با توجه به نرخ تنزیل رقمی خاص بدین منظور در حساب‌ها لحاظ نماییم به بیان دیگر چنانچه قیمت پایه شاخص را هر چند سال یک بار تغییر ندهیم و قیمت پایه سال ۱۳۶۰ را مبنای قرار دهیم عملاً هر یک ریال سال ۱۳۶۱، معادل ۸۶ ریال در سال ۱۳۸۰ است یعنی از یک طرف تعهدات بیمه‌ای این صندوق‌ها ۸۶ برابر شده و از طرف دیگر این بدان معنی است که دولت هر یک ریالی که از سال ۱۳۶۱ پرداخت نکرده باید ۸۶ ریال مال و دارایی تهاتر کند تا منابع صندوق‌ها افت نکند! متأسفانه دولت دقیقاً برعکس عمل کرده است. یعنی دولت نه تنها تعهدات سال ۶۱ را به همان قیمت اسمی می‌دهد بلکه مال یا سهام دولتی را بر مبنای ارزش به نرخ شناور محاسبه و دیون را تهاتر می‌کند در واقع صندوق‌ها از دو جهت متضرر می‌شوند. صندوق‌های پس‌انداز و بازنشستگی و تأمین اجتماعی تاکنون ترازنامه‌های خود را در معرض قضاوت عموم قرار نداده‌اند و تأکید وزیر امور اقتصادی و دارایی مبنی بر اعلان علنی ترازنامه و حساب تلفیقی این صندوق‌ها می‌تواند باعث نقد اصولی پیرامون سرمایه‌گذاری‌های این صندوق‌ها شود. به طور اجمالی تا آنجا که

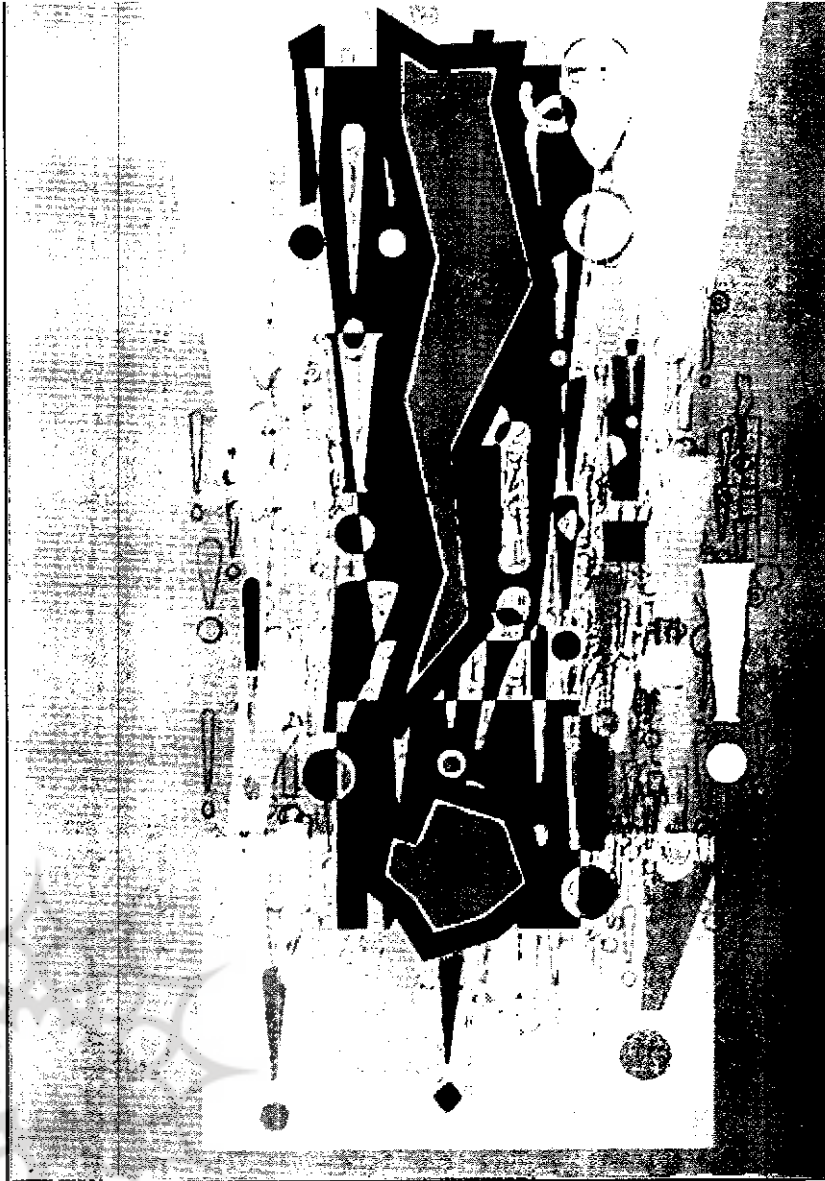


تلفی می شود.

تجربه دوره نوین بازار سرمایه ایران (۷۹-۱۳۷۲) نمایانگر آن است که در دوره تلاطم ۷۵-۱۳۷۴ اگر صندوق تأمین اجتماعی و صندوق پس انداز کشوری، مشابه دیگر بازیگران و سوداگران سرمایه عمل کرده بودند امروز "نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان" در واقع در همان دوره ای که برخی منسوبین به دستگاه های واگذارنده دولتی به سوداگری در بورس مشغول بودند، این صندوق های تأمین اجتماعی و پس انداز کشوری بودند که تاوان این اقدام را تحمل کردند و موجبات فروپاشی بورس را فراهم نکردند.

با چنین توصیفی مسلم است که حضور فعال و همه جانبه همه صندوق های پس انداز و بازنشستگی در بازار سرمایه کشور جزء الزامات ملی و سرمایه گذاری تلفی می شود و به همین علت باید به آنان که نگران حضور این صندوق ها در بازار سرمایه هستند یادآور شد اگر صندوق ها پای خود را از بازار سرمایه کنار گذارند مطمئن باشند که شاهد سقوط آزاد شاخص خواهند بود. بدون شک بازار سرمایه کشور نیازمند اصلاح ساختار، ایجاد مقررات به منظور جلوگیری از بازی های معمول بورس نظیر سهم بازی، معاملات ضربدري، معاملات درون گروهی و... است اما فراموش نباید کرد اگر به دنبال خصوصی سازی هستیم هر یک از صندوق ها یقیناً خصوصی تر از آن شرکت های سرمایه گذاری استانی یا غیر استانی که در لایه لای رانست و فعالیت های غیر شفاف پیچیده شده اند هستند.

پیشنهاد نگارنده برای شفاف سازی اطلاعات و حمایت همه شهروندان از حضور صندوق های پس انداز و بازنشستگی که به موجب قانون تشکیل شده اند آن است که این صندوق ها عملکرد مالی خود را در مطبوعات منتشر نمایند و تعهدات خود را نیز به نمایش گذارند تا بازار سرمایه و شهروندان در حمایت از آنان درنگ نکنند. بدین منظور ارجح است که حتی در صورتی که اعمال حسابداری تعهدی برای این صندوق ها در حال حاضر امکان پذیر نباشد حتماً صورت های مالی خود را با تعدیلات لازم از حسابداری نقدی به صورت حسابداری تعهدی ارائه نمایند تا واقعیت موجود در این صندوق ها به نمایش گذاشته شود و بر خلاف تصور بسیاری مشخص گردد که تعهدات آتی این صندوق ها بسیار بیش از دارایی های موجود آنها باشد و در همین زمینه دولت و سازمان های بدهکار ناچار گردند علاوه بر پرداخت دیون معوق حق السهم سالانه خود را به موقع تأدیه و پرداخت تا صندوق ها در آینده به مصیبت دچار نشوند. مؤسسه حسابرسی تأمین اجتماعی و مؤسسه حسابرسی صندوق بازنشستگی که به عنوان بازوی نظارت مالی این صندوق ها به شمار می آیند باید از خرده کاری بپرهیزد و با یاری جامعه حسابداران رسمی ایران و سایر نهادها و اشخاص خبره در تدوین و طراحی نظام مالی مناسب صندوق های پس انداز و بازنشستگی کوشش نمایند، زیرا اساساً مصرف و چگونگی نمایش وجوهات صندوق ها دارای استانداردهای خاص خود می باشد که تاکنون در ایران به این مهم توجه نشده است.



نگارنده در جریان است ترکیب پرتفوی سرمایه گذاری های این صندوق ها عبارتند از سپرده های بلندمدت بانکی، اوراق مشارکت، اوراق قرضه خارجی دولت جمهوری اسلامی، سرمایه گذاری در سهام شرکت ها (بورس و غیربورس)، تسهیلات اعطایی اموال غیرمنقول، وجوه اداره شده، املاک و مستغلات و خالص سایر دارایی ها.

نگاهی گذار به آمار صندوق های برتر پس انداز و بازنشستگی در آمریکا هم مؤید آن است که ترکیب فوق در سرمایه گذاری های آن صندوق ها نیز رعایت شده با این فرض که صندوق های پس انداز و بازنشستگی در سایر کشورها در بورس های جهان و معاملات ارزی هم فعالیت دارند. در حالی که صندوق های مشابه آنها در ایران از این امر مستثنی شده اند، مضافاً آنکه به طور متوسط ما بین ۳۰ الی ۵۰ درصد وجوه صندوق های پس انداز در آمریکا و کانادا و اروپا در بورس فعال شده اند. دلیل این امر آن است که چون این صندوق ها به سرمایه گذاری از منظر بلندمدت نگاه می کنند تب و تاب و نوسانات بورس عملاً آنها را دچار وحشت نمی کند و این خود به "وزنه تعادل" بازار سرمایه تبدیل می شود یعنی حضور صندوق های پس انداز و بازنشستگی چون باهدف سوداگری محض همراه نیست، از الزامات بازار سرمایه